

## تحلیل قابلیت‌های ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک انرژی در تأمین امنیت ملی ایران

دکتر جواد اطاعت<sup>۱</sup>، حسین مهدیان<sup>۲</sup> و سجاد مرادی‌نیا<sup>۳</sup>

### چکیده

در عصر حاضر با توجه به رشد جوامع در ابعاد مختلف، امنیت ملی نیز وارد مرحله نوینی گردیده که تأمین آن نه از طریق سنتی و افزایش قدرت نظامی، بلکه با رویکردی نوین و از طریق افزایش قدرت در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی و ... حاصل می‌شود. در این میان ژئوپلیتیک هر کشور با در محوریت داشتن بحث قدرت، جایگاه ویژه‌ای در مسائل امنیت ملی آن کشور دارد. در جمهوری اسلامی ایران نیز، ژئوپلیتیک و خصوصاً متغیر انرژی آن، در جهت‌دهی به سرنوشت کشور از اهمیتی راهبردی برخوردار است. ژئوپلیتیک انرژی ایران در دو بعد ژئواکونومیک (ظرفیت تبدیل شدن به یکی از اصلی‌ترین شرکای مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی جهان) و ژئواستراتژیک (ایفای نقش استراتژیک در امنیت انرژی منطقه‌ای، جهانی و سازمان‌های بین‌المللی انرژی)، با افزایش وزن ژئوپلیتیک، قابلیت بالقوه تأمین منافع و امنیت ملی کشور را دارا می‌باشد. تحقق چنین امری مستلزم بکارگیری یک دیپلماسی منسجم انرژی در کنار تعامل بیشتر با نظام جهانی است.

کلیدواژگان: ژئواکونومیک، ژئواستراتژیک، امنیت انرژی، وزن ژئوپلیتیک، امنیت ملی.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه امام علی (ع)

۳. کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

**مقدمه**

بر اساس پیش‌بینی سازمان‌ها و آژانس‌های معتبر انرژی جهان (اداره اطلاعات انرژی آمریکا (EIA)، بریتیش پترولیوم (BP) و ژورنال نفت و گاز در آمریکا)، تا سال ۲۰۳۰ تقاضا برای انواع انرژی با روندی معقول افزایش می‌یابد. همین پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که تقاضا برای نفت خام و گاز طبیعی نیز با رشد قابل توجهی در حال افزایش است. این رشد تقاضا برای منابع نفت خام و گاز طبیعی علاوه بر کشورهای صنعتی، در کشورهای در حال توسعه نیز با سرعت بیشتری در حال افزایش است. تا جایی که در سال ۲۰۳۰ بیشتر از ۶۰ درصد افزایش تقاضا مربوط به کشورهای در حال توسعه خصوصاً هند و چین است.

چنین وضعیتی با در نظر گرفتن پراکندگی نامتناسب منابع نفت و گاز و بعضاً دوری مراکز عمده مصرف از آن‌ها، در کنار مشکلات دسترسی آسان و بدون دغدغه به منابع و بازارها برای مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، باعث شکل‌گیری رقابت، میان مصرف‌کنندگان برای دستیابی به منابع مطمئن انرژی و تولیدکنندگان برای بازارهای مطمئن انرژی، و همچنین بین مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان با یکدیگر بر سر کسب منافع بیشتر گردیده است.

حیاتی بودن منابع انرژی برای مصرف‌کنندگان و درآمدهای حاصل از فروش انرژی برای تولیدکنندگان، باعث گردیده امنیت انرژی به بطن موضوعات امنیت ملی کشورها وارد گردد. این امر سبب گردیده بسیاری از کشورها در کندوکاو راهی برای ایفای نقش متنفذتری در امنیت انرژی جهانی، جهت افزایش منزلت ژئوپلیتیک خود باشند.

این پژوهش بر آن است تا با بررسی وضعیت کنونی انرژی (نفت و گاز) ایران و جهان و همچنین امنیت آن، نقشی را که ژئوپلیتیک انرژی ایران می‌تواند برای منافع و امنیت ملی کشور ایفا نماید، را مشخص، و راهکارها و پیشنهادات لازم جهت به کارگیری هر چه بهتر ژئوپلیتیک انرژی در راستای تأمین امنیت ملی کشور را ارائه دهد.

### اهمیت تحقیق

امروزه هر یک از کشورها برای تحصیل منافع و امنیت ملی خود، قبل از هر چیزی به ظرفیت‌های بالقوه خود نگاه می‌کنند و با نگاه به آنها، اهداف و اولویت‌ها را مشخص و استراتژی کسب آنها را تدوین می‌کنند. در این میان یکی از ظرفیت‌های بالقوه ایران برای تأمین بهتر امنیت و منافع ملی، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های ارزشمند انرژی کشور است. از این رو روشن نمودن قابلیت‌های ژئوپلیتیک انرژی و راه‌های کسب آنها، در راستای تحصیل منافع ملی و تأمین امنیت ملی کشور، ضروری به نظر می‌رسد.

### فرضیه

به نظر می‌رسد پتانسیل‌های ژئوپلیتیک انرژی ایران در دو بعد ژئواکونومیک (دومین دارنده منابع نفت و گاز جهان) و ژئواستراتژیک (مرکزیت بیضی استراتژیک انرژی جهان)، می‌توانند در نگاه امنیتی نوین که امنیت در همه ابعاد را مدنظر دارد به صورت ایجابی و با افزایش وزن ژئوپلیتیک در راستای تأمین امنیت ملی کشور مؤثر باشند.

### روش تحقیق

این مقاله ضمن توصیف جایگاه امنیت انرژی ایران، روشی مبتنی بر استدلال و تحلیل دارد. در این تحقیق با مراجعه به مراکز مختلف علمی و تحقیقاتی، با استفاده از فیش‌برداری و همچنین روش دلفی، به جمع‌آوری اطلاعات لازم در رابطه با موضوع اقدام گردیده است که با توصیف مبانی نظری و یافته‌های مورد نیاز، زمینه بررسی و تحلیل منطقی تأثیرگذاری ژئوپلیتیک انرژی بر امنیت ملی ایران را از دو بعد ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک فراهم آمده است.

### ادبیات نظری پژوهش

#### امنیت ملی در نگاه نوین

این واژه از زمان شکل‌گیری انقلاب‌های مردمی و پایه‌گذاری اولین حکومت‌های ملتی در جوامع مغرب زمین متداول گردید که به تدریج به جوامع شرقی و ایران نیز رسید. ترکیب آن دو با یکدیگر، به منزله اصطلاحی نوین و حوزه مطالعاتی خاص با عنوان «امنیت

ملی» حوزه‌ای جدید، مفهومی کاملاً غربی و آمریکایی است که در خلال و متعاقب جنگ جهانی دوم مطرح گردید (حسن پور، ۱۳۸۲: ۷۸).

رابرت ماندل تعریف زیر را برای امنیت ملی پیشنهاد می‌کند: «امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جزء مسئولیت‌های حکومت‌های ملی است، تا از تهدید مستقیم ناشی از خارج نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود جلوگیری به عمل آورند. نکته محوری این تعریف، بیشتر کلمه «تعقیب» ایمنی است تا کسب آن و این بدین معنی است که هر چند اکثر دولت‌ها در تعقیب امنیت هستند ولی ممکن است همه آن را کسب نکنند. همچنین تعریف فوق شامل ایمنی مادی و روانی با هم است (ماندل، ۱۳۸۷: ۴۱-۴۲).

مفهوم امنیت ملی دولت ملت‌ها با پایان یافتن جنگ سرد وارد مرحله نوینی شده است. فروپاشی شوروی سابق در کنار دیگر تحولات پس از جنگ سرد، باعث گردیده، زمینه تهدیدات تغییر یافته و به نوعی تمام سطوح امنیتی به یکدیگر تنیده شود. اکنون امنیت فقط در سطح ملی قابل بحث نیست، بلکه سطوح فردی و بین‌المللی بر سطح ملی بسیار تأثیر گذاشته‌اند. با گسترش دامنه تهدیدات امروزه دولت ملی به تنهایی قادر به حل مشکلات نیست؛ به همین دلیل نه تنها بین دولت بلکه بین نهادهای ملی و فراملی سیاسی و غیرسیاسی این طرز تفکر به وجود آمده است که جز با همکاری در حل مسائل مشترک، هیچ قدرتی قادر به حل مشکلات خود نخواهد بود.

در گفتمان فرامدرن امنیت نه به کسب قدرت و توانایی ملی، بلکه به همکاری و همگرایی بین‌المللی و جهانی بر اساس آرمان‌های مشترک بشری تعریف می‌شود (خلیلی، ۱۳۸۴: ۱۳۱). محیط امنیتی هر کشوری در تعامل با تحولات داخلی و بین‌المللی است. به میزانی که تحولات داخلی بر جهتگیری‌ها، اولویت‌ها و مسائل امنیت کشوری مؤثر است، تحولات عرصه بین‌الملل و تغییر ماهیت در آن، تأثیرات غیر قابل انکاری بر امنیت یک کشور خواهد داشت. تغییر در سیستم بین‌المللی و تقسیم قدرت جهانی، تأثیر مستقیمی بر امنیت و عملکرد تمام کشورها دارد و امنیت هر کشور با توجه به بستر منطقه‌ای و بین‌المللی تعریف می‌شود (انوری رودپشت، ۱۳۸۴: ۷۲-۵۸). رشد پدیده جهانی شدن در کنار عواملی مانند تغییرات فناوری و انقلاب اطلاعات و همچنین تغییر در سیستم بین‌المللی قدرت، مفهوم امنیت ملی را متحول ساخته است. جهانی شدن با انقلاب در صنعت، ارتباطات و اطلاعات، باعث نزدیکی هر چه بیشتر جوامع به یکدیگر شده است و به طرز فزاینده‌ای آنها را در همه ابعاد (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، زیست محیطی و ...)

به یکدیگر وابسته نموده است (اسدی، ۱۳۸۳: ۴۵-۵۲).

اقتصاد جایگاه تازه‌ای در امنیت ملی کشورها به دست آورده است؛ به گونه‌ای که امنیت اقتصادی به یکی از مهم‌ترین عوامل تأمین امنیت ملی تبدیل شده است. مفهوم نوین امنیت در اقتصاد سیاسی جهانی به جای رقابت و برخورد و یکجانبه‌گرایی، بر همکاری و چندجانبه‌گرایی در تمامی سطوح تأکید دارد. در این چارچوب امنیت صرفاً با افزایش قدرت نظامی افزایش نمی‌یابد، بلکه حفظ و افزایش امنیت ملی هر کشور مستلزم افزایش قدرت ملی در تمامی حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نیز نظامی در سطح داخلی و در روابط خارجی می‌باشد (پوراحمدی، ۱۳۸۵: ۸۶).

دولت‌ها در چارچوب نظام متحول اقتصاد سیاسی جهانی برای بقا و گسترش خود، نه تنها باید از حداقل امنیت در برابر هر گونه تهدیدات خارجی برخوردار باشند، بلکه تهدیدات داخلی ناشی از هر گونه نارضایتی احتمالی نیز می‌تواند مشروعیت آنها را زیر سؤال برده و آنها را تهدید کند. از این رو، علاوه بر امنیت نظامی می‌بایستی به تأمین رفاه عمومی، افزایش سطح بهداشت، هوای سالم، آب آشامیدنی و... مردم و شهروندان خود نیز باید بیاندیشد (پوراحمدی، ۱۳۸۵: ۸۶).

امنیت ملی در دیدگاه نوین دارای ویژگی‌های زیر است:

الف) نگرش امنیتی نوین مبتنی بر گفتمان امنیت مثبت (نگرش ایجابی) است و با نگرش امنیتی مدرن در مورد مطالعات امنیتی تفاوتی ندارد.

ب) در نگرش نوین، امنیت حالت چند بعدی دارد و به ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تقسیم می‌شود (انوری رودپشت، ۱۳۸۴، ۶۵-۷۵).

### ژئوپلیتیک انرژی

انرژی از منابع کمیاب زمین است و بهترین منابع در بازی‌های قدرتی منابع کمیاب هستند لاجرم منابع کمیاب اهمیت ژئوپلیتیک بالایی دارند یعنی امکان زیادی را برای پیشبرد اهداف در رقابت‌های قدرتی به دست می‌دهند (مجتهدزاده، مصاحبه حضوری، ۱۳۸۸/۴/۱۰). بنیاد توسعه صنعتی بر انرژی است. بزرگترین کانون‌های مصرف انرژی جهان، مناطق توسعه یافته با نرخ رشد بالای اقتصادی هستند. از این رو صنعت با مواد هیدروکربنی (نفت و گاز) پیوند ناگسسته

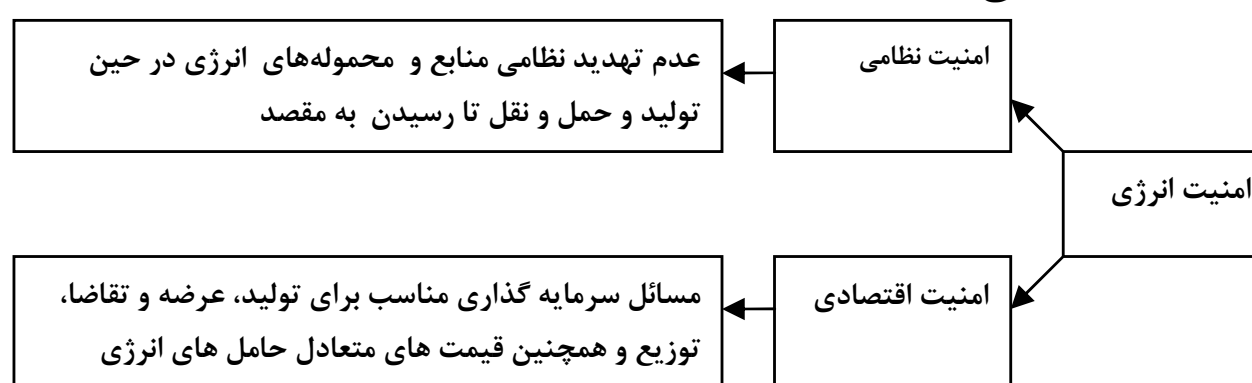
دارد. این پیوند ناگسسته بین انرژی و صنعت اساس قدرت در سده بیست و یکم است. لذا در مناسبات قدرت در روابط بین‌الملل چیرگی بر کانون‌های تولید مواد هیدروکربنی و مسیر انتقال آن‌ها بویژه گاز طبیعی در آینده بسیاری از کنش‌گرهای امروزین واحدهای سیاسی است (کاویانی‌راد و ویسی، ۱۳۸۴: ۲۹۹).

بنابراین؛ ژئوپلیتیک انرژی به مطالعه نقش و اثر انرژی و جنبه‌ها و ابعاد مختلف آن بر سیاست و قدرت در مناسبات گوناگون ملت‌ها و دولت‌ها می‌پردازد (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۲).

### امنیت انرژی

امنیت انرژی به تولید و مصرف روان انرژی (خصوصاً نفت و گاز) اطلاق می‌شود، چنانچه هیچ مشکلی بر سر راه استخراج، تولید و حمل و نقل آن وجود نداشته باشد. امنیت انرژی مباحث گسترده‌ای از جمله افزایش تقاضای جهانی و وابستگی بیشتر به بازارهای تولید، امنیت عرضه، ترانزیت و حفاظت از خطوط لوله، منابع انرژی مطمئن، قیمت‌های مناسب انرژی، تعیین سیاست‌های انرژی، تغییرات آب و هوایی و زیست محیطی ناشی از مصرف برخی سوخت‌ها و انرژی‌های جایگزین را دربرمی‌گیرد (Winstone, 2007, p 1).

به‌طور کلی امنیت انرژی به دو بخش تقسیم می‌شود: امنیت نظامی و امنیت اقتصادی. امنیت انرژی دارای یک مفهوم وسیع امنیتی است. اما به نظر می‌رسد که در مجموع ترکیبی از امنیت نظامی و امنیت اقتصادی است (Oyama, 2000, p 7). امنیت نظامی از حیث عدم تهدید نظامی در حین تولید و حمل و نقل تا رسیدن به مقصد حائز اهمیت است و امنیت اقتصادی به مسائل سرمایه‌گذاری مناسب برای تولید، توزیع و همچنین قیمت‌های متعادل حامل‌های انرژی مربوط می‌باشد.



شکل ۱: ابعاد نظامی و اقتصادی امنیت انرژی

منبع: مهدیان، ۱۳۸۸: ۵۰

هم‌اکنون از ۱۹۳ کشور جهان هیچ‌کدام امنیت انرژی مستقلی ندارند (Verrastro endLadislaw, 2007:96) و در میان مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان وابستگی متقابل وجود دارد (واعظی، محمود، ۱۳۸۶: ۱۲). در عصر کنونی تمرکز سیاست انرژی به ورای حوزه صرفاً نظامی رفته (موسوی‌شفایی، ۱۳۸۵: ۴)؛ و نقش انرژی در اقتصاد جهانی به گونه‌ای افزایش یافته است که این مؤلفه رابطه‌ای مستقیم و هماهنگ با موضوعاتی همانند رشد اقتصادی، رکود و موازنه تجاری کشورها پیدا کرده است (متقی، ۱۳۸۶: ۱۰). با توجه با اینکه انرژی یکی از کلیدهای راندن اقتصاد نوین جهانی است. هرگونه اختلال فیزیکی در عرضه و یا تغییر عمده در قیمت‌ها، به طور جدی فعالیت‌های اقتصادی جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به همین دلیل برای توسعه پایدار اقتصاد جهانی یک تعادل مناسب بین عرضه و تقاضای انرژی جهان مورد نیاز است و عدم توازن بین عرضه و تقاضای انرژی، امنیت انرژی جهانی را با مشکل مواجه می‌کند (Jean, 2007, p19).

کنترل منابع انرژی برای استقلال و امنیت ملی همه کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده آن حایز اهمیت است (موحدیان، ۱۳۸۶: ۱۰۰). اثر اختلال یا انقطاع عرضه نفت و شوک‌های قیمت بر کارایی و کارکرد اقتصادی واردکنندگان اصلی نفت عمیق خواهد بود. اکنون پذیرفته شده که بحران‌های نفتی دهه ۱۹۷۰ رشد تولید ناخالص داخلی غرب را نیز در رکود فرو برده است و این خط و مسیر استدلال جدید دغدغه‌های امنیت انرژی را گسترش داده است (موسوی‌شفایی، ۱۳۸۵: ۴). بنابراین، تضمین امنیت انرژی برای اقتصادهای مدرن یک امر ضروری است. زیرا آن‌ها به شدت به انرژی وابسته هستند و برنامه‌ریزی درازمدت اقتصادی آن‌ها، به ثبات در دسترسی به انرژی بستگی دارد (Joffe, 2007: 13). بنابراین امنیت انرژی یک عامل مؤثر بر نحوه رفتار سیاسی اقتصادی کشورها و سیاست‌های امنیتی بین‌المللی است (Ebinger, 2007:2).

## یافته‌های تحقیق

### وضعیت موجود و چشم‌انداز امنیت انرژی جهان

شورای ملی نفت (پتروشیمی) در ایالات متحده آمریکا در گزارش منتشر شده خود تحت عنوان «حقایق سخت پیش‌روی در مورد انرژی»، پیش‌بینی رشد قابل توجه تقاضای مجموع انرژی جهان تا سال ۲۰۳۰ در نتیجه افزایش جمعیت جهان به همراه بالا رفتن سطح استانداردهای

زندگی بسیاری از کشورهای در حال توسعه، را نشان می‌دهد (Holditch, 2008: 317). بر اساس گزارش اداره اطلاعات انرژی آمریکا، تقاضای اولیه جهانی برای انرژی از ۳۴۷/۷ کادریلیون<sup>۱</sup>/بتا<sup>۲</sup> در سال ۲۰۰۶، در حالت پایه با ۱/۵ درصد رشد متوسط سالیانه تا سال ۲۰۳۰، با ۹۵ درصد رشد، به ۶۷۸/۳ کادریلیون/بتا خواهد رسید (EIA, 2009: 24). این درحالی است که در صورت رشد اقتصادی بالا، تقاضای جهانی برای انرژی، از رشد متوسط سالانه ۱/۸ درصد، برخوردار خواهد بود و تا سال ۲۰۳۰ با بیش از ۱۱۰ درصد رشد در طول دوره، به ۷۳۳/۴ کادریلیون/بتا، و در قیمت‌های بالای نفت خام، با رشد متوسط سالانه ۱/۴ درصد و بیش از ۸۸ درصد رشد، به ۶۵۵/۸ کادریلیون/بتا و در رشد پایین اقتصادی جهان نیز، با رشد سالیانه ۱/۲ درصد با حدود ۸۰ درصد رشد به ۶۲۷/۶ کادریلیون/بتا در سال ۲۰۳۰ می‌رسد (Ibid, p 27). در طول دوره زمانی (۲۰۰۶-۲۰۳۰)، تقاضا برای مصرف سوخت‌های مایع با ۱/۲ درصد رشد، به ۲۲۹/۳ کادریلیون (۳۳ درصد کل تقاضای انرژی مصرفی جهان) در سال ۲۰۳۰ می‌رسد. میزان تقاضا برای مصرف گاز طبیعی نیز با رشد ۱/۷ درصدی به ۱۶۴/۷ کادریلیون (۲۳/۷ درصد کل تقاضای انرژی مصرفی جهان) در پایان این دوره می‌رسد. این در حالی است که مجموع تولید سوخت‌های مایع جهان از ۶۶/۵ میلیون بشکه در سال ۱۹۹۰ به ۸۴/۶ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۰۶ رسیده است. بر اساس پیش‌بینی اداره اطلاعات انرژی آمریکا، این مقدار تولید با میانگین رشد سالانه ۱/۰ درصد تا سال ۲۰۳۰ به ۱۰۶/۶ میلیون بشکه در روز می‌رسد. همچنین، بر اساس این پیش‌بینی، تولید گاز طبیعی جهان نیز از ۱۰۳/۸ تریلیون فوت مکعب در سال ۲۰۰۶ با میانگین رشد سالانه ۱/۶ درصد به ۱۵۲/۷ تریلیون فوت مکعب در سال ۲۰۳۰ می‌رسد (EIA, 2009: 35).

چشم‌انداز تقاضا و تولید نفت و گاز جهان نشان می‌دهد که، از سال ۲۰۰۶ تا سال ۲۰۳۰ میانگین سالانه شکاف تقاضا و تولید برای نفت خام ۰/۲ درصد و برای گاز طبیعی ۰/۱ درصد می‌باشد. یعنی میزان تقاضا برای نفت خام تا سال ۲۰۳۰، سالانه ۰/۲ درصد و برای گاز طبیعی ۰/۱ بیشتر از تولید پیش‌بینی شده است. شکاف موجود بین عرضه و تقاضای جهانی در حالی

۱. کادریلیون معادل عدد یک با ۱۵ صفر به توان ۲ است.

۲. بتا واحد بریتانیایی گرما است.



می‌باشد که در سال ۲۰۳۰، سهم واردات منابع انرژی فسیلی جهان تا ۸۵ درصد کل واردات انرژی جهان افزایش می‌یابد (Kreft, 2006: 2).

پراکندگی نامتناسب ذخایر نفت و گاز و همچنین عمر کوتاه ذخایر انرژی قطب‌های عمده مصرف انرژی جهان، از دیگر موضوعاتی است که امنیت انرژی را به موضوعی حیاتی برای بیشتر کشورهای جهان تبدیل نموده است. بر اساس آخرین گزارش آماری ژورنال نفت و گاز در ایالات متحده آمریکا، در آغاز سال ۲۰۰۹ میلادی مجموع ذخایر اثبات شده نفت خام جهان ۱۲۳۸/۶۹ میلیارد بشکه برآورد شده است (Oil & Gas Journal, 2009:13). این در حالی است که گزارش BP<sup>۱</sup> در سال ۲۰۱۰ با رشد قابل ملاحظه‌ای مجموع ذخایر اثبات شده جهانی را ۱۳۳۱/۱ میلیارد بشکه اعلام نموده است. منطقه خاورمیانه با ۷۵۴/۲ میلیارد بشکه ذخیره نفت خام، ۵۶/۶ درصد از کل ذخایر نفت خام جهان را در خود دارد. ذخایر نفت خام خاورمیانه با احتساب سقف تولید کنونی (۲۴/۵ میلیون بشکه در روز)، عمری بالاتر از ۸۴/۸ سال خواهند داشت. همچنین ذخایر اثبات شده نفت در آمریکای شمالی با ۷۳/۳ میلیارد بشکه نفت قابل استحصال، ۵/۵ درصد از کل ذخایر نفت جهان را به خود اختصاص داده است که این ذخایر با احتساب تولید سال ۲۰۰۷ میلادی (۱۳/۴ میلیون بشکه در روز) ۱۳/۹ سال دوام خواهد داشت (BP, 2010: 6).

مجموع ذخایر نفتی اروپا و اوراسیا ۱۳۶/۹ میلیارد بشکه اعلام شده است. این منابع معادل ۱۰/۳ درصد از ذخایر جهانی نفت خام است و با تولید ۱۲/۸ میلیون بشکه در روز، عمر این ذخایر ۲۲/۲ سال پیش‌بینی شده است. میزان ذخایر نفتی در آمریکای جنوبی و مرکزی نیز ۱۹۸/۹ میلیارد بشکه اعلام شده که معادل ۱۴/۹ درصد از کل ذخایر جهانی نفت خام است و با احتساب میزان تولید روزانه ۶/۳ میلیون بشکه در سال ۲۰۰۷، این ذخایر ۸۰/۶ سال دیگر دوام خواهند آورد (EIA World Balance, 2010: 25).

میزان ذخایر نفتی قاره آفریقا نیز ۱۲۷/۷ میلیارد بشکه اعلام شده، که با میزان تولید ۹/۶ میلیون بشکه در روز، ۳۶ سال دوام می‌آورند. همچنین سایر کشورهای آسیایی و کشورهای حوزه اقیانوس آرام با ذخایر نفتی به میزان ۴۲/۲ میلیارد بشکه نفت، ۳/۲ درصد از کل ذخایر جهانی را

۱. شرکت ملی نفت بریتانیا (British Petroleum)

به خود اختصاص داده‌اند و این ذخایر با سقف تولید کنونی، تنها ۱۴/۴ سال دوام خواهند آورد (جدول ۱).

جدول ۱: ذخایر نفت خام در مناطق مختلف دنیا

مناطق	ذخایر نفت در پایان سال ۱۹۹۹ بر حسب میلیارد بشکه	ذخایر نفت در پایان سال ۲۰۰۶ بر حسب میلیارد بشکه	ذخایر نفت در اول سال ۲۰۰۹ بر حسب میلیارد بشکه	ذخایر نفت در اول سال ۲۰۱۰ بر حسب میلیارد بشکه	سهم ذخایر (درصد) در اول سال ۲۰۰۹	ذخایر نفت در اول سال ۲۰۱۰ بر حسب میلیارد بشکه	سهم ذخایر (درصد) در اول سال ۲۰۱۰	سال عمر ذخایر (ذخایر تقسیم بر میزان تولید)
آمریکای شمالی	۶۴.۰	۷۰.۰	۷۰.۳	۷۳/۳	۵.۶	۷۳/۳	۵/۵	۱۳.۹
آمریکای مرکزی و جنوبی	۹۰.۰	۱۱۱.۰	۱۱۱.۲	۱۹۸/۹	۹.۰	۱۹۸/۹	۱۴/۹	۸۰/۶
اروپا و اوراسیا	۸۶.۰	۱۴۴.۱	۱۴۳.۷	۱۳۶/۹	۱۱.۶	۱۳۶/۹	۱۰/۳	۲۱/۲
خاورمیانه	۶۷۶.۰	۷۵۶.۳	۷۵۵.۳	۷۵۴/۲	۶۱.۰	۷۵۴/۲	۵۶/۶	۸۴/۸
آفریقا	۷۵.۰	۱۱۷.۱	۱۱۷.۵	۱۲۷/۷	۹.۵	۱۲۷/۷	۹/۶	۳۶
آسیا و حوزه اقیانوس آرام	۴۴.۰	۴۱	۴۰.۸	۴۲/۲	۳.۳	۴۲/۲	۳/۲	۱۴/۴
جمع مناطق	۱۰۳۵.۰	۱۲۳۹.۵	۱۲۳۸.۸	۱۳۳۳/۱	۱۰۰.۰	۱۳۳۳/۱	۱۰۰.۰	۴۵.۷

منبع: EIA<sup>1</sup>, 2010. BP Station Review Of World Energy June 2010. Oil & Gas Journal, January 1, 2009.

از مهمترین ویژگی‌های ذخایر گاز طبیعی جهان نیز، عدم تناسب در پراکندگی جغرافیایی آن است. ۹۰/۷ درصد از مجموع ۶۵۳۴ تریلیون فوت مکعب کل ذخایر گاز طبیعی اثبات شده جهان در اول سال ۲۰۰۹ میلادی، در اختیار ۲۰ کشور قرار دارد و مهمتر اینکه ۱۷ کشور از این تعداد خود در ردیف ۲۰ کشور اول دارنده نفت جهان قرار دارند (BP, 2009: 22). همچنین بیشتر از سه چهارم ذخایر گاز طبیعی جهان در مناطق خاورمیانه و اوراسیا قرار دارد. کشورهای روسیه، ایران و قطر در مجموع بیش از ۵۳ درصد کل ذخایر گاز طبیعی جهان در اول سال ۲۰۰۹ میلادی را در اختیار داشته‌اند (EIA, 2009: 35).

کشورهای روسیه با ۱۵۲۹/۲ تریلیون فوت مکعب، ۲۳/۴ درصد از کل ذخایر جهانی و ایران با ۱۰۴۵/۷ میلیون مترمکعب (۱۶/۰ درصد کل ذخایر جهان)، اولین و دومین ذخایر گاز طبیعی

1. Energy Information Administration

جهان را در اختیار دارند. کشور قطر نیز با ذخیره ۸۹۹/۳ تریلیون فوت مکعب (۱۳.۸ درصد ذخیره جهانی) در رتبه سوم ذخیره گاز طبیعی در جهان قرار دارد (BP, 2009: 22).

از منظر منطقه‌ای نیز، در بین مناطق مختلف جهان، منطقه خاورمیانه با ۲۶۸۰/۹ تریلیون فوت مکعب ذخیره، ۴۱/۰ درصد از کل ذخایر جهانی را در خود جای داده است و بیشترین ذخیره جهانی را در اختیار دارد. به طوری که با تولید کنونی منابع گاز طبیعی این منطقه بالاتر از یکصد سال دوام خواهند آورد. بعد از خاورمیانه، اروپا و اوراسیا با ۲۲۲۰/۸ تریلیون فوت مکعب دومین ذخایر گاز طبیعی جهان را در اختیار دارند. این ذخایر که در حدود ۳۴/۰ درصد از کل ذخایر جهانی هستند با تولید کنونی ۵۷/۸ سال دوام خواهند آورد. آمریکای شمالی با ۳۱۳/۱ تریلیون فوت مکعب ۴/۸ درصد جهانی را دارا می‌باشد و عمر این منابع با تولید کنونی ۱۰/۹ سال خواهد بود. میزان ذخایر گاز طبیعی در آمریکای جنوبی و مرکزی ۲۵۸/۲ تریلیون فوت مکعب است که در حدود ۴/۰ درصد کل ذخایر جهانی می‌باشد و با تولید کنونی عمری ۴۶/۰ ساله خواهند داشت. در قاره آفریقا ۵۱۷/۵ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی واقع شده که معادل ۷/۹ درصد از کل ذخایر جهانی است و عمر منابع این قاره با تولید کنونی ۶۸/۲ سال برآورد شده است. در حوزه آسیا و اقیانوسیه نیز ۵۴۳/۵ تریلیون فوت مکعب ذخیره گاز طبیعی به اثبات رسیده است که در حدود ۸/۳ درصد از ذخایر جهانی است. عمر این ذخایر نیز با تولید کنونی ۳۷/۴ سال برآورد شده است (BP, 2009: 22) (جدول ۲).

جدول ۲: ذخایر گاز طبیعی در مناطق مختلف جهان (بر حسب تریلیون فوت مکعب)

منطقه	ذخایر در پایان سال ۱۹۸۰	ذخایر در پایان سال ۲۰۰۰	ذخایر در پایان سال ۲۰۰۸	ذخایر در اول سال ۲۰۰۹	سهم ذخایر از کل جهان ژانویه ۲۰۰۹	سال عمر ذخایر (ذخایر تقسیم بر میزان تولید)
آمریکای شمالی	۳۴۵.۴۹	۲۶۱.۳۴	۲۸۱.۶۵	۳۱۳.۱	۴.۸	۱۰.۹
آمریکای مرکزی و جنوبی	۸۵.۵۰	۲۲۲.۶۵	۲۷۲.۸۴	۲۵۸.۲	۴.۰	۴۶.۰
اروپا و اوراسیا	۱۰۴۵.۸۷	۲۱۵۸.۶۸	۲۰۰۹۷.۸۹	۲۲۲۰.۸	۳۴.۰	۵۷.۸
خاورمیانه	۷۳۹.۸۳	۱۷۴۹.۲۴	۲۵۸۵.۳۵	۲۶۸۰.۹	۴۱.۰	*
افریقا	۲۱۰.۳۵	۳۹۴.۱۷	۵۱۴.۹۲	۵۱۷.۵	۷.۹	۶۸.۲
آسیا و حوزه اقیانوس آرام	۳۴۱.۵۹	۳۶۳.۴۷	۵۱۰.۶۹	۵۴۳.۵	۸.۳	۳۷.۴
جمع جهان	۲۵۸۰.۲۳	۵۱۴۹.۵۷	۶۲۶۳.۳۴	۶۵۳۴.۰	۱۰۰.۰	۶۰.۴

توجه: \* بالاتر از یکصد سال

منبع: BP 2009, p 22.

وضعیت کنونی و چشم‌انداز آینده انرژی جهان روشن می‌کند که امنیت انرژی مهم‌ترین چالش برای اقتصادهای بزرگ جهان خواهد بود، زیرا از طرفی نیاز کشورها به انرژی فسیلی سالانه افزایش می‌یابد و از طرف دیگر تولید غیر اوپیک کاهش و در نتیجه وابستگی آنها به نفت وارداتی مخصوصاً از خلیج فارس، سال به سال بیشتر می‌شود. همچنین مطالعات و پیش‌بینی‌ها در رابطه با وضعیت آینده انرژی جهان، نشان می‌دهند که از سال ۲۰۱۰ تقاضا برای نفت اوپیک و خاورمیانه رو به فزونی خواهد گذاشت و با رو به اتمام گذاشتن منابع نفتی دریای شمال، آمریکای شمالی و حتی منابع روسیه، باقیمانده منابع نفتی خاورمیانه در سال ۲۰۲۰ حدود ۸۰ درصد و در سال ۲۰۳۰ حدود ۹۵ درصد ذخایر نفت جهان را تشکیل خواهند داد. از اینجا اهمیت اوپیک و منطقه خاورمیانه و خلیج فارس، به ویژه پنج کشور عربستان، ایران، عراق، امارات و کویت در تأمین انرژی جهان در دهه‌های آینده روشن می‌شود (نژادحسینیان، ۱۳۸۸/۴/۳۰).

## ایران و امنیت انرژی جهانی

ذخایر عظیم نفتی ایران (۱۳۷/۶ میلیارد بشکه در سال ۲۰۱۰) جزو پنج ذخیره بزرگ نفت خام دنیا از نظر دوام هستند که با روند تولید کنونی حدود از ۸۹/۴ سال دوام خواهند آورد (BP, 201: 6). (جدول ۳).

جدول ۳: ذخیره، تولید و عمر ذخایر نفت خام ایران (ژانویه ۲۰۱۰)

ایران	ذخیره در پایان ۱۹۸۷	ذخیره در پایان ۱۹۹۷	ذخیره در پایان ۲۰۰۵	ذخیره در ژانویه ۲۰۰۸	ذخیره در ژانویه ۲۰۱۰	تولید در پایان سال ۲۰۰۹ میلیون بشکه در روز	درصد از ذخایر جهانی	عمر ذخایر (سال) (ذخیره بر تولید)
نفت خام	۹۲.۹	۹۲.۶	۱۳۷.۵	۱۳۸.۴	۱۳۷.۶	۴.۲	۱۰.۳	۸۹.۴

منبع: منبع: BP 2010, Oil & Gas Journal, Jan,1,2009, p27.

همچنین ذخایر گازی ایران نیز ۱۰۴۵/۷ تریلیون فوت مکعب است که با روند تولید کنونی بیش از یک صد سال عمر خواهند داشت (BP, 2009: 22) (جدول ۴).

جدول ۴: ذخایر گاز طبیعی ایران (۱۹۸۶-۲۰۰۹)

ایران	ذخیره در پایان ۱۹۸۶ (تریلیون متر مکعب)	ذخیره در پایان ۱۹۹۶ (تریلیون متر مکعب)	ذخیره در پایان ۲۰۰۵ (تریلیون متر مکعب)	ذخیره در ژوئن ۲۰۰۹ (تریلیون متر مکعب)	ذخیره ژوئن ۲۰۰۹ (تریلیون فوت مکعب)	تولید در پایان ۲۰۰۸ (میلیون متر مکعب)	درصد از ذخایر جهانی	عمر ذخایر (سال) (ذخیره بر تولید)
گاز طبیعی	۱۳.۹۶	۲۳.۰	۲۷.۵۸	۲۹.۶۱	۱۰۴۵.۷	۱۱۶.۳	۱۶.۰	بالای یک صد سال

منبع: Bp, 2010, p 22

ایران در بازارهای بین‌المللی انرژی نقشی استراتژیک دارد. وضعیت ذخایر نفت خام و گاز طبیعی ایران بیان‌کننده این واقعیت است که ایران ظرفیت و قابلیت رسیدن به یکی از محوری‌ترین شرکای مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی جهان را دارا می‌باشد (EIA, 2009: 28).

بعد دیگری که باعث ارتقای اهمیت ایران در امنیت انرژی جهانی می‌گردد، واقع شدن ایران در مرکز کانون استراتژیک انرژی جهان است. تقریباً دوسوم ذخایر اثبات شده نفت و یک‌سوم ذخایر اثبات شده گاز طبیعی جهان در اختیار کشورهای حوزه خلیج فارس قرار دارد. اگر ذخایر برآورد شده دریای خزر را به آن اضافه شود، ذخایر نفت به ۷۰ درصد و ذخایر گاز به بیش از ۴۰ درصد مجموع ذخایر جهانی می‌رسد. به همین دلیل بیضی انرژی خلیج فارس - دریای خزر یکی از مهم‌ترین موقعیت‌های استراتژیک دوران ماست (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳: ۱۸۸-۱۸۷) و با توجه به اینکه ایران در مرکز این بیضی استراتژیک قرار دارد، می‌توان چنین عنوان داشت که ایران نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین امنیت انرژی جهان خواهد داشت (مبینی دهکردی، ۱۳۸۸).

### تجزیه و تحلیل اطلاعات

ژئوپلیتیک انرژی ایران در دو بعد ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک، باعث ارتقای وزن ژئوپلیتیک ایران می‌شود. برای استفاده درست از جنبه‌های ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک ژئوپلیتیک انرژی، نیاز است در ابتدا هر یک از این ابعاد تشریح و تبیین شود. لذا در ادامه ضمن تشریح و تبیین این ابعاد، به مقدمات و محدودیت‌های ایران در هر دو بعد پرداخته می‌شود.

### بعد ژئواکونومیک انرژی و امنیت ملی ایران

جغرافیای انرژی، فرصت ژئواکونومیک مناسبی را پیش روی ایران قرار داده است. منابع عظیم انرژی ایران، به عنوان متغیرهای جغرافیایی تأثیرگذار، از مهم‌ترین موتورهای حرکت اقتصادی کشور هستند که در صورت بهره‌برداری درست، قدرت اقتصادی کشور و به تبع آن ضریب امنیت ملی کشور را ارتقاء می‌دهند. زیرا اقتصاد در ارتباط با امنیت ملی اهمیت فراوانی دارد. نخست؛ ظرفیت اقتصادی به صورت مستقیم بر قدرت ملی اثرگذار است که آن هم به نوبه خود مهمترین عامل در تعریف ضریب امنیت ملی به شمار می‌آید (افتخاری، ۱۳۸۱: ۲۴۹). قدرت اقتصادی زمینه را برای نیل به قدرت نظامی فراهم می‌سازد و یا دست کم، تحمیل هزینه‌های سنگین تأمین امنیت را آسان می‌سازد (لوور و توال، ۱۳۸۱: ۹۴-۹۳).

همچنین وضعیت خوب اقتصادی یکی از ارزش‌های ملی است و لذا تقویت آن به تقویت

دولت ملی و افزایش ضریب امنیت ملی منتهی می‌شود؛ و بالاخره این که اقتصاد، ابزار خوب و بسیار کارآمدی به حساب می‌آید که می‌تواند دولت‌ها از آن برای دستیابی به اهداف امنیتی‌شان یاری گیرند (افتخاری، ۱۳۸۱: ۲۴۹).

از سویی، در عصر کنونی غنای اقتصادی به معنای قدرت تازه، به صحنه آمده است و غنای اقتصادی را باید عامل مسلط در روابط قدرت در سطح بین‌الملل به حساب آورد (لوور و توال، ۱۳۸۱: ۹۳). دولت‌های قوی از حیث اقتصادی نه تنها از توان نظامی بیشتر بلکه از توان تأثیرگذاری بالاتری نیز برخوردارند. بر همین اساس می‌توان اظهار داشت که دولت‌هایی که از ساختار اقتصادی ضعیفی برخوردارند به طور طبیعی در معادلات کلان امنیتی از ضریب امنیتی کمتر و رده پایین‌تری برخوردار هستند (افتخاری، ۱۳۸۱: ۳۰۱).

بنابراین، بعد ژئواکونومیک انرژی ایران، از اصلی‌ترین منابع بالقوه تولید قدرت اقتصادی کشور است. ژئوپلیتیک انرژی از طریق افزایش شرکای اقتصادی، کسب درآمد و افزایش قدرت اقتصادی، سبب توسعه ملی و افزایش قدرت ملی کشور در ابعاد مختلف می‌شود. این افزایش وزن و قدرت ژئوپلیتیک در بعد خارجی به صورت ایجابی، تأمین امنیت ملی را در پی خواهد داشت. در بعد داخلی نیز افزایش قدرت اقتصادی باعث توسعه، رفاه و پیشرفت جامعه می‌گردد. پیشرفت‌های یاد شده، علاوه بر کاهش تهدیدات داخلی، باعث افزایش قدرت ملی کشور از طریق انسجام و رضایت عمومی جامعه می‌گردد.

### بعد ژئواستراتژیک انرژی و امنیت ملی ایران

هر بحثی که با امنیت سر و کار داشته باشد، بحثی استراتژیک است و هنگامی که در مباحث استراتژیک، استفاده از زمین و منابع آن در بعد فراملی مدنظر باشد، موضوع جنبه‌ای ژئواستراتژیک پیدا می‌کند. لذا در بحث امنیت انرژی هنگامی که وارد امنیت نفت و گاز و سایر انرژی‌ها می‌شویم موضوع جنبه‌ای ژئواستراتژیک پیدا می‌کند (مجتهدزاده، مصاحبه حضوری، ۸۸/۴/۱۰).

در زمینه اهمیت ژئواستراتژیک انرژی، متخصصان روابط بین‌الملل، با استناد به نظریه‌هایی چون «ثبات مبتنی بر توسعه»<sup>۱</sup> اذعان می‌کنند که، یکی از شاخص‌های بنیادین قدرت هژمون در هر عصری کنترل منابع، خطوط و مسیرهای انتقال انرژی بوده است. به عبارت دیگر می‌توان صعود

---

1. Hegemonic Stability Theory

و افول قدرت‌های بزرگ را با میزان کنترل آنها بر منابع انرژی زمان خودشان و نیز نوع و مقدار مصرف انرژی آنها مرتبط دانست؛ و حتی فراتر از آن حیات و ممت تمدن کنونی بشر با تمامی پیشرفت‌های تکنولوژیک را، حداقل تا زمان دسترسی فراگیر به انرژی‌های جایگزین و مقرون به صرفه، وابسته به نفت و گاز قلمداد کرد. این خصوصیات، انرژی را هم به ابزار قدرت و هم هدف قدرت به ویژه در عرصه بین‌الملل تبدیل کرده است (موسوی شغایی، ۱۳۸۵: ۱).

در این میان، ایران با واقع شدن در منطقه خاورمیانه و بین دو حوزه سرشار از انرژی جهان یعنی خلیج فارس و دریای خزر، اهمیتی ژئواستراتژیک دارد و همچون پل پیونددهنده این دو منطقه، مطرح است (بهروزی فر و نسیمی، ۱۳۸۳: ۳۲).

همچنین ایران، به عنوان اقتصادی‌ترین، امن‌ترین و نزدیک‌ترین گذرگاه گازی کشورهای آسیای میانه به بازارهای جهانی و به ویژه کشورهای جنوب آسیا و اروپا و نقشی انکار نشدنی در بازارهای جهانی انرژی داشته و خواهد داشت. از سویی با توجه به موقعیت جغرافیایی پر اهمیت ایران، هند، چین بزرگترین بازار بالقوه گاز طبیعی ایران به شمار می‌آیند. بر پایه پیش‌بینی‌ها مصرف گاز در این مناطق در دو دهه آینده، به علت نیاز نیروگاه‌های برق و ملاحظات زیست محیطی، افزایش خواهد یافت. بنابراین منطقی است که زمینه‌های انتقال گاز طبیعی از ذخایر بسیار سرشار ایران به بازارهای روبه رشد هند و چین (به صورت لوله یا ال.ان.جی) بررسی شود (بهروزی فر و نسیمی، ۱۳۸۳: ۲۰۶).

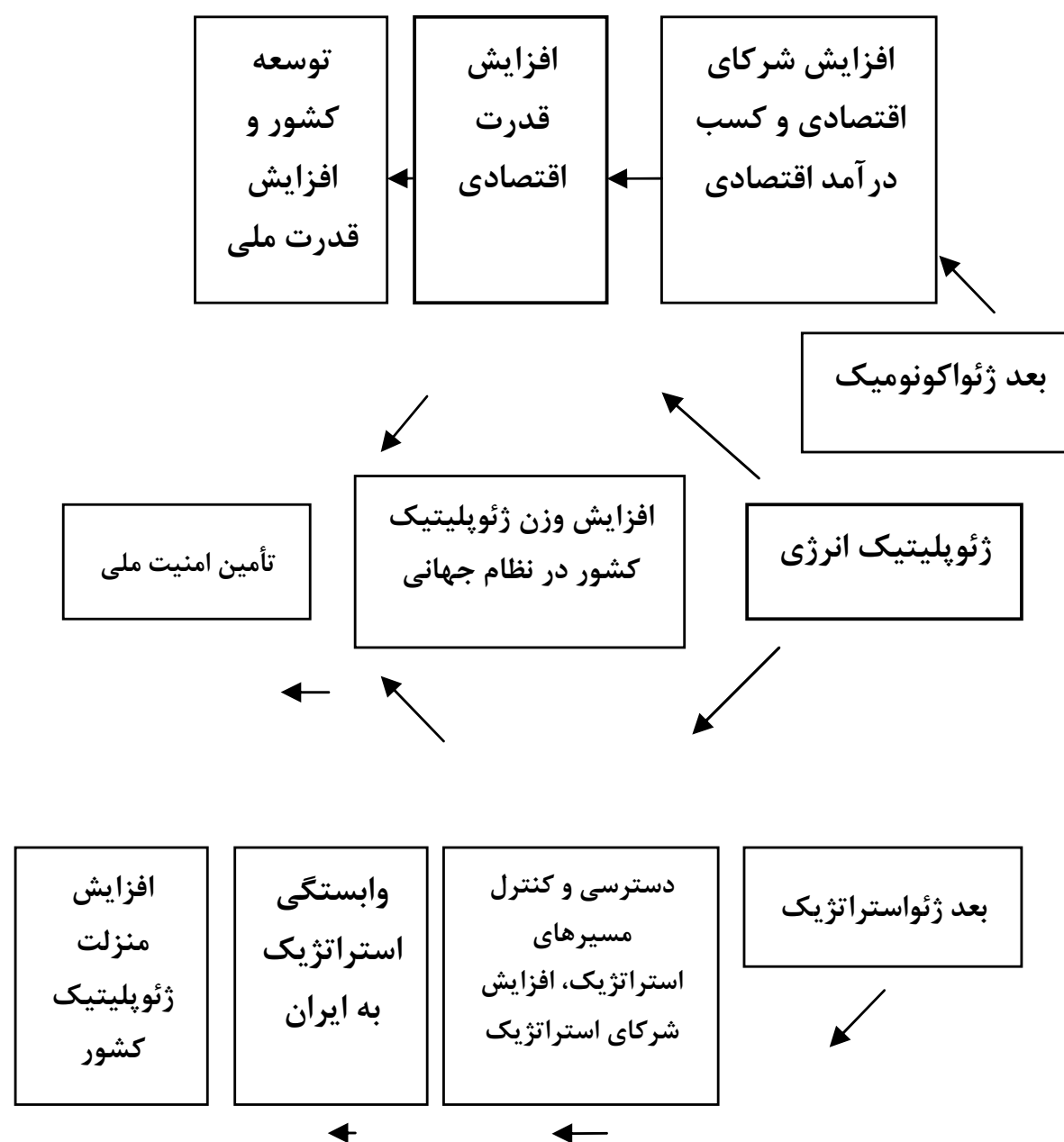
موقعیت بی‌نظیر ژئوپلیتیک کشورمان به ما این امکان را می‌دهد که به مرکز تجارت و توزیع منطقه تبدیل شویم (عادلی، ۱۳۸۷: ۲). در این خصوص، مسیرهای انتقال انرژی، در سطح منطقه و به سوی بازارهای جهانی، جایگاه ایران را ارتقا بخشیده است (کولایی، ۱۳۸۷: ۱). نزدیکی منابع عظیم انرژی خلیج فارس و میدان‌های تولید آنها به ایران، و همچنین دسترسی و کنترل ایران به مهم‌ترین آبراه استراتژیک جهان، در افزایش منزلت ژئوپلیتیک ایران نقش ارزنده‌ای را ایفا نموده است.

کنترل ایران بر تنگه هرمز از دو جهت حایز اهمیت استراتژیک است. نخست اینکه در رویکرد امنیت‌ملی حفظ‌محور، در صورت تهدید منافع و امنیت ملی کشور، بستن این تنگه توسط ایران، می‌تواند مشکلات عظیمی را برای مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان بزرگ انرژی و همچنین اقتصاد جهانی، ایجاد کند. دوم این‌که ایران می‌تواند با ایفای نقش تعاملی و ارزنده، با کمک به



برقراری امنیت در مسیرهای ترانزیت انرژی، جایگاه خود را در امنیت انرژی جهانی ارتقا دهد. چنین امری ضمن ایجاد اعتماد استراتژیک به ایران، منزلت ژئوپلیتیک کشور را در نظام ژئوپلیتیک جهانی افزایش می‌دهد.

همچنین مشارکت در شبکه خطوط لوله نفت و گاز به اشکال گوناگون نقش و سهم ما را در بازار انرژی افزایش می‌دهد (عادل، ۱۳۸۷: ۶۳). زیرا در صورت انتقال منابع از خاک ایران کشورهای مصرف‌کننده و تولیدکننده انرژی دو سوی مسیر را به نوعی به ایران وابسته می‌نماید. مشارکت در سرمایه‌گذاری بویژه در بخش بالادستی نیز توان ما را در دیپلماسی انرژی بالا می‌برد (عادل، ۱۳۸۷: ۶۵). ایران می‌تواند با جذب سرمایه‌گذاری‌های کلان خارجی و عقد قراردادهای بلندمدت عرضه انرژی، به یک شریک انرژی استراتژیک برای مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی جهان مانند چین، هند، ژاپن و همچنین کشورهای همسایه مانند پاکستان و ترکیه، مبدل گردد. از سوی دیگر، کشورهایی که در پروژه‌های نفت و گاز ایران سرمایه‌گذاری می‌کنند. با توجه به اینکه حجم قابل توجهی سرمایه‌گذاری کرده‌اند و همچنین منافع حاصل از این سرمایه‌گذاری، باعث اهمیت یافتن امنیت ایران برای آنها می‌شود. مدل (۱).



مدل ۱: رابطه ژئوپلیتیک انرژی و امنیت ملی ایران

منبع: مهدیان، ۱۳۸۹: ۱۹۵

### نتیجه‌گیری

یکی از ابزارهایی که ایران می‌تواند به نحو مؤثری امنیت ملی خود را با آن تأمین نماید؛ ژئوپلیتیک انرژی منحصربه‌فرد آن است. علت این امر، اهمیت و جایگاه بالای انرژی (به خصوص نفت و گاز) و امنیت آنها در استراتژی امنیت انرژی اکثر مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان انرژی جهان است. ایران با در اختیار داشتن ذخایر عظیم نفت و گاز در کنار موقعیت منحصربه‌فرد ژئوپلیتیک یعنی، واقع شدن در مرکز بیضی استراتژیک انرژی جهان، در خور جایگاهی ارزنده در امنیت انرژی جهانی است. ژئوپلیتیک انرژی ایران این قابلیت را دارد که در ابعاد ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک، در راستای تأمین امنیت ملی کشور به کار گرفته

شود. در بعد ژئواکونومیک ایران با در دست داشتن دومین منابع عظیم نفت و گاز جهان، قابلیت تبدیل شدن به یکی از مهم‌ترین عرضه کنندگان نفت و گاز طبیعی جهان را دارد. کسب درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز در صورت استفاده صحیح، باعث ارتقا و رشد قدرت اقتصادی کشور می‌شود. افزایش قدرت اقتصادی، سبب توسعه ملی و افزایش قدرت ملی کشور در ابعاد مختلف و در نتیجه تأمین امنیت ملی کشور می‌شود.

در بعد ژئواستراتژیک نیز، قرار گرفتن ایران در بین دو منطقه از مهم‌ترین مناطق کانونی انرژی جهان یعنی منطقه خلیج فارس و دریای خزر و همچنین موقعیت ترانزیتی کم نظیر ایران در کنار، مجاورت و نزدیکی به مسیرهای انتقال انرژی مناطق خلیج فارس و دریای خزر، بیان کننده جایگاه ژئواستراتژیک ایران در امنیت انرژی جهانی است. موقعیت کنترلی ایران بر صدور انرژی خلیج فارس و همچنین نزدیکی و مجاورت ایران با دیگر مسیرهای انتقال انرژی مانند مسیرهای انتقال انرژی دریای خزر باعث گردیده که متغیر ژئوپلیتیکی موقعیت، برای ایران زمینه تولید قدرت ژئواستراتژیک را فراهم آورد. ایران برای دست یافتن به چنین امری باید دو گام اساسی را بردارد. اولین گام، حفظ ظرفیت تولید است. زیرا برای ایران انرژی (نفت و گاز) جنبه سیاسی-امنیتی و اقتصادی دارد. امنیت ملی و اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران منبعث از توان و ظرفیت تولید است. سهم کشورمان در میزان تجارت و مبادله انرژی نیز اهرم مناسبی در دیپلماسی انرژی است. سهم تولید نفت و گاز ایران در جهان، می‌تواند نمایانگر قدرت سیاسی کشورمان تلقی شود. سهم ما در بازار مصرف و تأمین نیازمندی کشورهای مصرف کننده بسیار مهم است. در این میان هر مقدار سهم ما در بازار کشورهای مصرف کننده توسعه یافته و دارای نقش بین‌المللی نظیر اروپا، چین و هند بیشتر باشد، مسلماً اهرم قدرت بین‌المللی ما مؤثرتر خواهد بود. عکس این قضیه نیز صادق است؛ نزول سهم ایران در تجارت و مبادله انرژی جهانی، علاوه بر تهدید اقتصاد ملی، کاهش منزلت و قدرت نفوذ کشور در نظام جهانی را در پی دارد.

گام دیگر؛ تدوین و اتخاذ یک استراتژی امنیت انرژی است. مطالعات نشان می‌دهد که ایران فاقد یک استراتژی امنیت انرژی است و اینکه چه راهبردی برای انرژی باید در پیش گرفت و امنیت کشور در ارتباط با انرژی چگونه است، تعیین نشده است. لذا طراحی یک سند ملی انرژی در قالب امنیت انرژی که بتواند انرژی را تعریف و امنیت ملی را به انرژی پیوند بزند، ضروری است.

## منابع

۱. افتخاری، اصغر (۱۳۸۱)، مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی؛
۲. انوری، رودپشت (۱۳۸۴)، امنیت ملی در روند جهانی شدن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی؛
۳. بهروزی‌فر، مرتضی و نسیمی، همایون (۱۳۸۳)، ایران، خلیج فارس و بازارهای جهانی انرژی، تهران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره ۲۱۰-۲۰۹؛
۴. پوراحمدی، حسین (۱۳۸۵)، مبانی امنیت نرم‌افزاری در اقتصاد جهان، تهران، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال چهارم، شماره دوازدهم؛
۵. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد، انتشارات پاپلی؛
۶. حسن‌پور، محمد (۱۳۸۲)، ناهمگونی قومی و امنیت ملی، تهران، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، سال سوم، شماره نهم و دهم؛
۷. خلیلی، رضا (۱۳۸۳)، تحول تاریخی - گفتمانی مفهوم امنیت، مجموعه مقالات اولین همایش مطالعات استراتژیک در جمهوری اسلامی ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی؛
۸. ربیعی، علی (۱۳۸۴)، مقدمه‌ای بر امنیت ملی در جهان سوم، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه؛
۹. عادل، سید محمدحسین (۱۳۸۷)، نقش دیپلماسی نفتی در تحکیم امنیت ملی و بین‌المللی، تهران، مؤسسه مطالعات اقتصادی و بین‌المللی روند؛
۱۰. عزتی، عزت‌الله و ویسی، هادی (۱۳۸۵)، تحلیل ژئوپلیتیک و ژئواکونومی خط لوله گاز ایران - هند، تهران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره دوم؛
۱۱. فیروزآبادی، سید حسن و فرهادی، محمد (۱۳۸۹)، بررسی تأثیر فرهنگی بسیج بر امنیت ملی کشور، فصلنامه مطالعات دفاعی - استراتژیک، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، شماره ۴۲؛
۱۲. کامران، حسن؛ حسینی‌امینی، حسن (۱۳۸۸)، رژیم حقوقی و تحدید حدود دریای خزر، فصلنامه جغرافیا، انجمن جغرافیایی ایران، شماره ۲۰ و ۲۱، بهار و تابستان ۱۳۸۸؛
۱۳. کاویانی‌راد، مراد؛ ویسی، هادی (۱۳۸۴)، انتقال گاز ایران به جنوب و جنوب‌شرق آسیا (فرصت‌ها و تهدیدها)، مجموعه مقالات دومین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران (جایگاه ایران در نظام ژئوپلیتیک قرن ۲۱)، تهران، انجمن ژئوپلیتیک ایران؛
۱۴. کمپ، جفری و هارکاو، رابرت (۱۳۸۳)، جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، ترجمه: سیدمهدی حسینی‌متین، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی؛
۱۵. کولایی، الهه (۱۳۸۷)، نقش ایران در امنیت انرژی منطقه و جهان، همایش ملی نفت، توسعه و

- دمکراسی، تهران، بنیاد آزادی، رشد و آبادانی (باران)؛
۱۶. لوور، پاسکال و توال، فرانسوا (۱۳۸۱)، کلیدهای ژئوپلیتیک، ترجمه: حسن صدوق ونینی، تهران، انتشارت دانشگاه شهید بهشتی؛
۱۷. ماندل، رابرت (۱۳۸۷)، چهره متغیر امنیت ملی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ سوم؛
۱۸. مبینی دهکردی، علی (۱۳۸۸)، ایران یکی از بازیگران مهم و اصلی در بازارهای جهانی، تهران، پایگاه خبری نفت نیوز؛
۱۹. متقی، ابراهیم (۱۳۸۶)، نیازهای امروز نظام سرمایه‌داری در حوزه انرژی، تهران، همشهری دیپلماتیک، سال دوم، شماره بیست و دوم؛
۲۰. ملکی، عباس (۱۳۸۶)، امنیت انرژی و درس‌هایی برای ایران، تهران، فصلنامه راهبرد یاس، شماره ۱۲؛
۲۱. موحدیان، رسول (۱۳۸۶)، چشم‌انداز خاورمیانه بزرگ (فراز و فرود دولت‌های ملی)، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران؛
۲۲. موسوی شفقانی، سید مسعود و سوری، امیر محمد (۱۳۸۷)، ناباکو و رقابت برای انرژی، تهران، بولتن برنامه اوراسیای مرکزی، سال چهارم، شماره ۱۰؛
۲۳. مهدیان، حسین (۱۳۸۹)، انرژی و امنیت ملی ایران، تهران، نشر انتخاب؛
۲۴. همان (۱۳۸۸)، نقش ژئوپلیتیک انرژی بر امنیت ملی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی تهران؛
۲۵. مجتهدزاده، پیروز (۸۸/۴/۱۰)، مصاحبه منتشر نشده؛
۲۶. نژادحسینیان، محمدهادی (۱۳۸۸)، وضعیت فعلی صنعت نفت؛ چالشها و راهکارهای آینده، تهران، روزنامه دنیای اقتصاد، کد خبر ۱۶۵۹۰۲-DEN؛
۲۷. هاشمیان فرد، زاهد (۱۳۸۸)، امنیت در اسلام، تهران، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی؛
۲۸. واعظی، محمود (۱۳۸۶)، تحولات جهانی در عرصه انرژی و موقعیت ایران، تهران، همشهری دیپلماتیک، سال دوم، شماره بیست و دوم؛
29. BP Statistical Review of World Energy, 2010. p 6-24;
30. BP Statistical Review of World Energy (June 2008) London, UK, p 22, web site www.bp.com;
31. Ebinger, Charles(2007), About the Energy Security Initiative, Brookings Institution Washington, DC, P 2;
32. EIA( 2010), Generate World Oil Balance Model, Table A1 and C1, pp20-45;
33. Energy Information Administration ,(February 2009) Annual Report, DOE/EIA, pp 20-216;
34. Energy Information Administration/Short-Term Energy Outlook -

- March 2009, p 17;
35. Holditch, Stephen A (, April 2008) Factors That Will Influence Oil and Gas Supply and Demand in the 21st Century, Texas A&M University, USA and Russell R. Chianelli, Volume 33, p 317;
  36. International Energy Agency, "World Energy Outlook 2006," p 65;
  37. Jean, Marie(2007), Economics and Geopolitics of Energy, Centre de Géopolitique de l'Energie et des Matières Premières (CGEMP) ,Université Paris Dauphine , p 19;
  38. Joffé, George(November 2007), The Geopolitics of Energy Security, Geopolitics and International Boundaries Research, Centre School of Oriental and African Studies University of London, p 13;
  39. Kreft, Heinrich(2006), Geopolitics of Energy: German and European View , CDU/CSU Parliamentary Group in the German Bundestag Former Deputy Head of Policy Planning , and Senior Strategic Analyst of the German Foreign Ministry Berlin, Germany, P2;
  40. Oil & Gas Journal( Jan ,1,2009 )Energy Database, except as noted for the United States, pp1-18;
  41. Opec, World Oil Outlook (2009), p 41;
  42. Oyama, Kosuke (May 2000), Japanese Energy Security and Changing global Energy Markets, Keio university, p 7;
  43. Verrastro, Frank and Ladislav, Sarah (Autumn 2007), Providing Energy Security in an Interdependent World, The Washington Quarterly, P 96;
  44. Winstone, Ruth, Paul Bolton and Donna Gore (May 2007), Energy Security, House of Commons Library, Research Paper 07/42, 9, p 1.